MEJDS. 2018; 8:116.
Published online 2019 Mar. **Reveiew**

Establishing Supportive Laws for People with Disabilities in the Light of the Adoption of Guidance, Monitoring, and Supportive Methods and International Documents

Farid Saeedi[1], *Mehdi Zakerian[2]

Author Address
1. PhD Political science orientation Public Policy, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran;
2. Associate Professor, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.
***Corresponding Author Email:** Mzacariyan@yahoo.com

Received: 2017 May 18; **Accepted:** 2017 July 21

Abstract

Background & Objective: During the last decade, we have witnessed the emergence of a procedural framework, which is based on the rules of citizenship rights. The process of legislative formation and monitoring the implementation of the rights for disabled people is considered as an obligation and is one of the supportive requirements. The provisions of the comprehensive laws about the disabled people's rights was reviewed in the framework of the international convention for the first time. This is a prelude to the social integration of the disabled based on the agent's explanations, and it is a step towards the adaptability of the power of the disables to the community. Establishing supportive laws for people with disabilities in the light of the adoption of guidance, monitoring, and supportive methods will cause the presence of this group in society. Adoption of these laws has happened after the drafting of the comprehensive protection of disabled people's acts in 2004, in the form of international laws such as the Universal Declaration of the Disabled in 1975, and the International Convention of the Disable people's Rights adopted in December 2006, and is a turning point in streaming disabilities. The main objectives of the present paper was to analyze the legislative dimensions and eliminating the ambiguous points of the law, which promote the mechanism of policy, urbanization, accessibility, mobility, health services, rehabilitation of sports, cultural affairs, artistic matters, educational facilities, entrepreneurship and employment, culture promotion, raising public awareness, creating conditions for civilization and citizenship. Also, the focus of the study was on three areas of prevention, rehabilitation, and equal opportunities, and researched by providing a mechanism for restoring the efforts of laws that are supportive and able to absorb people with disabilities into the community. Given this necessity, this paper tried to examine the obligations of the Islamic Republic of Iran regarding the binding elements of the disabled peoples' rights from the two perspectives of international law and domestic law, with particular attention to the two documents mentioned above and the comparative approach between these two instruments. In this study, rights to education, rights to participate in the cultural life of the community, and rights to obtain information for disabled people were studied and have been assessed. First, we had to provide a comprehensive definition of disability and rehabilitation to describe the capacity of optimal disability participation. Being a disabled person means having a mental or physical disorder that essentially restricts one or more vital activities of life. The philosophy of equalizing opportunities for disabled people is a process. In which the facilities used by the public, such as housing, transportation, health services, vocational and employment facilities, cultural services, sports, and recreation, which are provided to all segments of society, would be beneficial to disabled people, too. Therefore, to disabled people to be included in the circle of enumeration, we should overcome the environmental and social barriers that they face on with that. Rehabilitation based on creating equal opportunities for people with disabilities has been highlighted in the International Organization for disabled people manifesto, in1981. Equalizing opportunities for people with disabilities requires a society free from any discriminations. The universal plan of action for people with disabilities (adopted by the United Nations in 1982) transformed the principle of equal opportunities into a global issue. However, especially in developing countries, the issue of realizing this principle faces many challenges and ambiguities; but in general, the issue of equal opportunities encourages different countries to integrate the social life of disabled people with ordinary people's experience in other sectors of the society.

Keywords: Policymaking, Disability Participation Policy, Empowerment, Social Integration, Effective Citizenship Effects, Disability Support.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.49.4]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۳۹۷؛ (۸):۱۱۶.

انتشار برخط اسفندماه ۱۳۹۷ مقاله مروری

سیاست‌گذاری افزایش مشارکت معلولین در پرتو قانون جامع حمایت از معلولین و اسناد بین‌المللی

فرید سعیدی[۱]، *مهدی ذاکریان[۲]

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دوره دکترا، سیاست‌گذاری عمومی، گروه علوم سیاسی، دانشکدهٔ حقوق ، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکدهٔ حقوق ، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** Mzacariyan@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۲۸اردیبهشت۱۳۹۶؛ تاریخ پذیرش: ۲۱تیرماه۱۳۹۶

چکیده

زمینه و هدف: در یک دههٔ اخیر، شاهد ظهور رویه‌ای فکری بوده‌ایم که بر پایهٔ قواعد حقوق شهروندی شکل گرفته است. فرایند شکل‌گیری، قانون‌گذاری و نحوهٔ نظارت بر اجرای حقوق شهروندان معلول از دغدغه‌ها و الزامات حمایتی تلقی می‌شود. برای نخستین‌بار، گامی که در جهت انطباق‌پذیری کارکرد و توانایی معلولان با اجتماع برداشته شد همان بررسی مفاد قانون جامع در پرتو کنوانسیون بین‌المللی حقوق معلولان بود. گفتنی است این امر در چهارچوب طرح مفهوم «معلول شهروندی مؤثر» با استفاده از ایدهٔ بسترسازی قاعده‌مند در فضای مجازی برای معلولان محسوب می‌شود. ایجاد قوانین حمایتی از افراد دارای معلولیت، به همراه اتخاذ شیوه‌های هدایتی و نظارتی و حمایتی، زمینه‌ساز حضور اجتماعی قشر مذکور خواهد بود. تدوین و تنظیم سند قانون جامع حمایت از معلولان در مورخ ۱۶اردیبهشت۱۳۸۳ که در قالب قوانین بین‌المللی از قبیل اعلامیهٔ جهانی معلولان در سال ۱۹۷۵ و کنوانسیون بین‌المللی حقوق معلولان مصوب ۱۳دسامبر۲۰۰۶ بوده، نقطهٔ عطفی در جریان‌شناسی ناتوانی در ایران به شمار می‌رود. اهم اهداف نوشتار حاضر تحلیل ابعاد قانون‌گذاری و برطرف‌کردن نقاط ابهام موجود در قانون مذکور بود که می‌توان آن‌را موجبات ارتقای سازوکار سیاست‌گذاری‌ها، مناسب‌سازی، دسترسی‌پذیری، تردد، تحرک، خدمات بهداشتی، درمانی، توان‌بخشی، امور ورزشی، فرهنگی، هنری، آموزشی، کارآفرینی و اشتغال، فرهنگ‌سازی، ارتقای آگاهی‌های عمومی، ایجاد فضایی برای تحصیل حقوق مدنی و شهروندی برشمرد. این موضوع بر سه عرصهٔ پیشگیری و توان‌بخشی و فرصت‌های برابر، متمرکز است و از طریق ارائهٔ سازوکار مطروحه، موجبات ترمیم قوانین حمایتی و بازجذب افراد دارای ناتوانی را در جامعه فراهم می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری، مشارکت معلولان، توان‌بخشی، معلول شهروندی مؤثر، حمایت از معلولین.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار_غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.49.4]

۱ مقدمه

در عصر کنونی، پرداختن به مسائل ناتوانی، توانمندسازی، توان‌بخشی و آشنایی با مبانی معلولیت‌شناسی به‌منظور تخصیص یکسان منابع موجود در اجتماع از امور الزام‌آور بوده که از طریق سازوکار توان‌بخشی موجبات شرکت معلولان و توانمندسازی و ادغام اجتماعی را فراهم می‌سازد. فلسفهٔ پرداختن به امر حقوق مشارکت، توانمندسازی معلولان و اهداف مترتب بر این نوع اقدامات در یک سری از مقالات و کتب و اسناد حاضر بحث و بررسی شده است. به‌علاوه اینکه به موانع موجود در راستای تحقق فرایند مشارکت معلولان و وظایف و تعهدات فراروی ارگان‌های مختلف دراین‌باره نیز تأکید شده است (۱).

هدف اصلی از طرح و نگارش مقالهٔ حاضر، تحلیل محدودیت‌های مضاعف بر کاستی‌های جسمی و ذهنی و روانی‌ای بود که برای مردم ارجحیت داشته که همانا تعمیم نگرش منفی غالب اجتماع به مفهوم معلولیت و ضعیف‌شمردن فرد دارای معلولیت محسوب می‌شود. همچنین هدف دیگر ارائهٔ راهکارهای مناسب و عملی برای خروج معلولان از انزوای اجتماعی، براساس مدل‌های رایج معلولیت‌پژوهی بود. این امر براساس الگوی پزشکی، آسیب‌شناسی اجتماعی و مدل حقوق شهروندی بر پایهٔ دو نگرش عمدهٔ معلولیت عامل ورود خسارت و معلول عامل فعل زیان‌دیده مبتنی است (۲).

در ۱۳ دسامبر۲۰۰۶، کنوانسیون بین‌المللی حقوق معلولان در مجمع عمومی به تصویب رسید و در ۳۰مارس۲۰۰۷ شروع به کار کرد. کنوانسیون مذکور شامل تعدادی اصول و تعهدات کلی است که عبارت‌اند از:

الف. احترام به منزلت ذاتی، خودمختاری فردی شامل آزادی انتخاب و استقلال افراد؛

ب. عدم تبعیض؛

ج. مشارکت کامل و مؤثر و ورود در جامعه؛

د. احترام به تفاوت‌ها و پذیرش افراد دارای معلولیت به‌عنوان بخشی از تنوع انسانی؛

ه. برابری فرصت‌ها؛

و. دسترسی به منابع موجود.

همچنین شامل برخی تعهدات کلی است که می‌توان به مادهٔ یک آن اشاره کرد:

۱. دولت‌های عضو متعهد می‌شوند تحقق تمام حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را برای تمامی افراد دارای معلولیت، بدون هرگونه تبعیض برمبنای معلولیت تضمین کرده و ارتقا دهند (۳).

قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در ۱۶اردیبهشت۱۳۸۳ در ایران تصویب شد. این درحالی‌است که در سال ۱۳۸۸ ایران از طریق تصویب مجلس شورای اسلامی، به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت پیوست. مواد یک و دو از قانون جامع به شرح زیر است:

مادهٔ ۱: دولت موظف است زمینه‌های لازم را برای تأمین حقوق معلولان فراهم کند و حمایت‌های لازم را از آن‌ها به عمل آورد.

مادهٔ ۲: همهٔ وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظف‌اند در طراحی، تولید و احداث ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به‌نحوی عمل کنند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آن‌ها برای معلولان همچون افراد عادی فراهم شود (۴).

ازآنجاکه تحولات پژوهش یک ضرورت است، این نوشتار با توجه به این ضرورت به بررسی تعهدات جمهوری اسلامی ایران دربارهٔ عناصر الزام‌آور حقوق مشارکت معلولان از دو منظر حقوق بین‌المللی و حقوق داخلی و با توجه خاص به دو سند مهم فوق‌الذکر و با رویکرد تطبیقی بین این دو سند می‌پردازد. در این پژوهش حق آموزش، حق شرکت در حیات فرهنگی جامعه و حق دسترسی به اطلاعات برای افراد دارای معلولیت، مطالعه و آسیب‌شناسی شد (۵).

در ابتدا، باید تعاریفی جامع از ناتوانی و توان‌بخشی ارائه شود تا بتوان ظرفیت مشارکت بهینهٔ معلولان را تشریح کرد. معلولیت عبارتست از: داشتن اختلال روحی یا جسمی که اساساً یک یا چند فعالیت اصلی حیاتی را محدود کند (۶).

پیرو تشریح مفهوم معلولیت در مسیر ارتقای کمی و کیفی فعالیت‌های معلولان، به سازوکاری به نام توان‌بخشی نیاز است. تعریف توان‌بخشی از دیدگاه هلاندر شامل تمامی اقدامات هدفمند و دارای محدودیت زمانی برای کاهش اثر معلولیت بر فرد، قادرساختن وی برای دست‌یابی به استقلال، درهم‌آمیزی اجتماعی و کسب زندگی با کیفیت بهتر و خودشکوفایی است. لغت توان‌بخشی به روندی اشاره دارد که هدف آن تواناساختن فرد معلول برای دستیابی و حفظ حداکثر سطح عملکرد فیزیکی، حسی، ذهنی، روان‌شناختی و اجتماعی است که به توان‌بخشی هدفمند منتج می‌شود (۷).

بسترهای مشارکت به بیان کارکردی مشارکت، به‌عنوان «فرایندی اجتماعی، عام، جامع، چندجانبی، چندبعدی و چندفرهنگی سعی دارد همهٔ گروه‌های مردم را در همهٔ مراحل توسعه شرکت دهد» این مفهومی پیشرفته از مشارکت است که دربارهٔ مشارکت نهادمند واجد معنا می‌شود (۸).

فلسفهٔ برابرسازی فرصت‌ها برای معلولان، شامل فرایندی است که طی آن امکانات مورداستفادهٔ عموم افراد اعم از مسکن، حمل‌ونقل، خدمات بهداشتی، امکانات حرفه‌آموزی و اشتغال، خدمات فرهنگی، ورزشی و تفریحی به‌گونه‌ای ارائه شود که تمامی اقشار جامعه به سهم خود از آن بهره‌مند شوند (۹)؛ بنابراین برای آنکه معلولان نیز در دایرهٔ شمول این قاعده قرار گیرند، می‌بایست موانع محیطی و اجتماعی فراروی آنان مرتفع شود (۹).

در مانیفست سازمان جهانی معلولان در سال ۱۹۸۱، استفاده از توان‌بخشی مبتنی‌بر ایجاد فرصت‌های مساوی تأکید شده است(۱۰).

برابرسازی فرصت‌ها برای معلولان، وام‌دار جامعه‌ای عاری از هرگونه تبعیض است. برنامهٔ اقدام جهانی برای معلولان (مصوبهٔ سال ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد)، اصل برابری فرصت‌ها را به موضوعی جهانی مبدل ساخت. تحقق این اصل به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه، با چالش‌ها و ابهامات فراوانی مواجه شد؛ اما به‌طورکلی مقولهٔ تساوی فرصت‌ها، کشورهای مختلف را به تلفیق زندگی اجتماعی افراد معلول و سایر آحاد جامعه ترغیب می‌کند (۱۱).

براساس برآورد سازمان ملل متحد، حدود ۱۵درصد افراد جوامع را معلولان تشکیل می‌دهند که در بررسی‌های سبب‌شناختی این مسئله به

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.49.4]

عوامل چندی همچون سوءتغذیه، مسائل ژنتیکی، بیماری‌ها و عوامل محیطی (نظیر تصادفات) آن اشاره می‌شود. مضافاً اینکه جمعیت سالمندان، زنان باردار و والدین با کودک خردسال را نیز باید به افراد نیازمند خدمات خاص اضافه کرد. وجود این گروه کثیر، کشورها را بر آن می‌دارد تا به مقولهٔ مناسب‌سازی امکانات اجتماعی به‌منظور افزایش سطح رفاه و آسایش افراد دارای نیازهای خاص، به‌طور جدی توجه کنند (۱۲).

اسناد بین‌المللی و قانون جامع حمایت از معلولان چگونه می‌تواند به سیاست‌گذاری مشارکت‌جویانهٔ معلولان در ایران کمک کند؟

طبق تعاریف مطروحه، افراد دارای معلولیت بخشی از جامعه‌ای مدنی به شمار می‌روند و قشر نام‌برده، حق مشارکت را به‌عنوان یک کنشگر اجتماعی «معلول شهروند مؤثر» در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از حقوق مشروع خود می‌داند و به‌واسطهٔ معیارشناسی حاکم بر قواعد معلولیت که عبارتست از آزادی در عملکرد، استقلال در تصمیم‌گیری معلولان و دسترس‌پذیربودن منابع موجود، بار معنایی به خود می‌گیرد (۱۲).

درآمدی تحلیلی بر فهم موضوع سیاست‌گذاری: توانمندسازی معلولان برای مشارکت، با توجه به خط‌مشی حمایتی و رویکرد نهادگرایی در پی تشریح محدودیت‌های عملکردی ناتوانان است. با درنظرگرفتن فعالیت‌های مدنی نهادها و سازمان‌های غیردولتی، مشارکت جامعهٔ معلولان با همراهی قواعد سازمان‌های بین‌المللی خواهد بود. این سازمان‌های بین‌المللی به‌دنبال برطرف‌کردن موانع پیش‌رو و کاهش فاصله‌گذاری اجتماعی قشر نام‌برده با دیگر اعضای اجتماع خواهند بود.

سیاست‌گذاری عمومی به‌عنوان یکی از گرایش‌های جدید علم سیاست، با عدول از مفهوم قدرت و نحوهٔ اعمال آن، سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی را بررسی می‌کند. در واقع پیوندی میان نظریه و عمل در علم سیاست است که از آن با عنوان مهندسی علوم سیاسی نیز یاد می‌شود (۱۳).

■ تشریح عرصهٔ سیاست‌گذاری: سیاست‌گذاری عمومی به مجموعه فعالیت‌های هدف‌داری گفته می‌شود که فرد یا گروهی از افراد برای حل مشکل یا مسئلهٔ عمومی به عمل می‌آورند و فرایند یا مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تصمیم‌های دولتی که با هدف حل مسئله‌ای عمومی طراحی شده‌اند، سیاست‌گذاری عمومی نامیده می‌شوند (۱۴). سیاست‌گذاری عمومی شامل علم عمل عمومی یا تخصیص اقتدارآمیز ارزش‌هاست و مطالعهٔ عملکرد دولت در عرصه‌های عمومی تشریح می‌شود. موضوع اصلی مطالعهٔ سیاست‌گذاری «دولت» و عملکرد حاکمیت مبتنی‌بر خردگرایی اقتصادی است. روش و ابزار مطالعهٔ سیاست‌گذاری عمومی عبارت‌اند از:

۱. مدل سیستم‌های دیوید ایستون؛ ۲. تحلیل استراتژی میشل کروزیه، بنیان‌گذار جامعه‌شناسی سازمان‌ها؛ ۳. مدل تحلیلی مرحله‌ای یا سکانسی چارلز جونز (۱۴).

جونز در فصل اول کتاب خود با عنوان مقدمه‌ای بر مطالعات سیاست‌گذاری عمومی، به دغدغهٔ دانشجویان سیاست‌گذاری عمومی برای داشتن سیستمی بهتر و کارآمد اشاره می‌کند. به‌اعتقاد وی، برای‌این‌منظور ابتدا باید چهارچوبی ارائه کرد تا در قالب آن بتوان عملکرد دولت را به‌صورت عینی و علمی مطالعه نمود (۱۵). مدل جونز به‌صورت ایدئال تیپیک، عملکرد دولت و تصمیم‌گیران را به پنج مرحلهٔ به هم وابسته تقسیم می‌کند:

۱. مرحلهٔ شناخت مشکل و قرارگرفتن مشکل در دستور کار حکومت؛ ۲. مرحلهٔ ارائهٔ راه‌حل‌ها؛ ۳. مرحلهٔ تصمیم‌گیری یا انتخاب راه‌حل درست؛ ۴. مرحلهٔ اجرای سیاست‌گذاری؛ ۵. مرحلهٔ ارزیابی سیاست‌گذاری‌ها (۱۴).

■ الگوهای مترتب بر معلولیت‌پژوهی: الف. مدل پزشکی: این نگرش بر این مبنا استوار می‌شود که معلولیت نوعی کاستی است که باید از طریق روش‌های پزشکی درمان شود یا آنکه افراد مبتلا تحت توان‌بخشی قرار گیرند؛

ب. مدل آسیب‌شناسی اجتماعی: مدل مزبور در پی جبران نقصان ذاتی معلولان است؛ اما بر این پیش‌فرض استوار است که معلولیت انعکاس نوعی موانع نگرشی‌رفتاری درونی است که فرد معلول واجد آن‌هاست؛

ج. مدل حقوق شهروندی: در مدل مذکور، تمرکز بر لزوم انطباق جامعه با معلولان است. مبنای این نظریه بر چگونگی سازگاری اجتماع با توجه به حضور افراد معلول واقع شده است (۱۶).

تأملی در نحوهٔ شکل‌گیری اسناد حمایتی: اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر در بندهای اول و دوم خود، کرامت و ارزش ذاتی بشر، برابری و عدم تبعیض را به‌عنوان اصول بهره‌مندی همهٔ افراد بشر از تمامی حقوق و آزادی‌ها می‌داند که در دیگر مفاد اعلامیه ذکر شده است. به‌عبارتی کرامت و برابری و عدم تبعیض، اصول مبنایی و پایه برای توجیه بهره‌وری انسان‌ها از حقوق اساسی خود است (۱۷).

■ حمایت از معلولان در پرتو اسناد بین‌المللی: حمایت از حقوق معلولان در پرتو اسناد عام و خاص شکل گرفته است که به تشریح مختصری از فرایند مزبور اشاره می‌شود. این حمایت نخستین بار در سال ۱۹۲۴، در اعلامیهٔ جهانی حقوق کودک و بر اساس پیشنهاد یک سازمان غیردولتی فعال مطرح به تصویب جامعهٔ ملل رسید. این عبارت در یکی از موارد پنج‌گانهٔ آن گنجانده شد: «کودکی که دارای معلولیت ذهنی است، باید مساعدت شود» که نقطهٔ عطفی در توانمندسازی معلولان به شمار می‌رود (۱۸).

پس از آن، اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر تصویب شد. در سال ۱۹۴۸، اعلامیهٔ مزبور با توجه به قواعد حاکم بر تعاملات بین‌المللی شکل گرفت. مادهٔ ۲۵ این اعلامیه به‌صراحت تأکید می‌کند که انسان‌ها در مواقع بیکاری، بیماری، نقص عضو و کهولت سن و... که خارج از ارادهٔ انسانی است و نمی‌توانند معاش خود را تأمین کنند، باید از زندگی طبیعی آبرومند برخوردار باشند. تأکید مادهٔ ۶ اعلامیه بر حق افراد در داشتن شخصیت حقوقی به‌عنوان یک انسان در مقابل قانون است و همچنین داشتن حق کار و انتخاب آزادانهٔ آن و برخورداری از موقعیتی منصفانه و رضایت‌بخش و بدون هیچ‌گونه تبعیضی در مادهٔ ۲۳ ذکر شده است (۱۸).

در سال ۱۹۶۶، دو پیمان‌نامهٔ بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تصویب شد. این دو پیمان‌نامه حاوی مهم‌ترین اسناد حمایتی از حقوق بشر محسوب می‌شود و شناسایی عام

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.49.4]

حقوق اساسی بشر را در قالب حقوقی فراهم کرد. در این اسناد از تعلق تمام حقوق و آزادی‌های اساسی به همهٔ افراد بشر بدون هیچ‌گونه تبعیضی یاد شده و به افراد دارای معلولیت به‌طور خاص توجه نشده است. بعدها در تفسیر عمومی کمیتهٔ پیمان‌نامهٔ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این موضوع مطرح شد که توجه‌نکردن به افراد دارای معلولیت در این دو پیمان‌نامه، ناشی از ناآگاهی به حقوق آن‌ها تلقی می‌شود. همچنین کنفرانس جهانی توسعهٔ اجتماعی کپنهاگ که با حضور سران دولت‌ها در مارس ۱۹۹۵ در کشور دانمارک برگزار شد، در اعلامیهٔ پایانی خود آورده است: «معلولان از بزرگ‌ترین اقلیت‌ها هستند؛ یعنی یک‌دهم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. اینان در اکثر موارد از روی ناچاری به فقر و بیکاری و انزوای اجتماعی تن در داده‌اند» (۱۸).

در ۲۰دسامبر۱۹۷۱ به‌منظور تکوین اسناد خاص، نخستین گام‌ها در این زمینه از سوی مجمع عمومی سازمان ملل‌متحد با تصویب اعلامیهٔ حقوق اشخاص دارای اختلالات روانی برداشته شد. این اعلامیه بیان می‌کند که اشخاص مذکور نیز مانند سایر اشخاص از تمام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مندرج در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر و سایر پیمان‌نامه‌های مربوط برخوردارند. در سال ۱۹۷۵ (۹ دسامبر) اعلامیهٔ دیگری از سوی مجمع عمومی، این‌بار دربارهٔ همهٔ افراد معلول به تصویب رسید که در آن به حمایت ملی و بین‌المللی از حقوق معلولان تشویق شده بود. در اعلامیه بیان شده که افراد معلول نیز مانند سایر افراد، دارای حقوق مدنی و سیاسی هستند و اقدامات لازم برای خودکفایی و خوداتکایی آنان بایستی صورت بگیرد. همچنین در ۲۰دسامبر۱۹۹۳، قواعد استاندارد برای اشخاص دارای معلولیت دربارهٔ برابری فرصت‌ها تصویب شد. در همین چهارچوب در دسامبر سال ۲۰۰۱ کمیتهٔ سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد یک کمیتهٔ موقت (ADHOC) را به‌منظور بررسی پیشنهاد تدوین کنوانسیونی جامع و کامل برای حمایت از معلولان و ترویج حقوق و منزلت آنان ایجاد کرد. در نهایت پیش‌نویس کنوانسیونی دربارهٔ حقوق معلولان در تاریخ ۳۰مارس۲۰۰۷ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید (۱۸).

■ تأملی بر تاریخ حقوق معلولان در ایران: سیر تحولات تاریخ حقوق معلولان ایران را در چهار مرحله می‌توان طبقه‌بندی کرد:

۱. دورهٔ تصویب قوانین موردی (۱۳۰۱ تا ۱۳۶۸)؛ ۲. دورهٔ تصویب قوانین آموزشی و مناسب‌سازی (۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳)؛ ۳. دورهٔ تصویب و اجرای نخستین قانون جامع (۱۳۸۳ تا ۱۳۹۱ این دوره به نام شفافیت و توسعهٔ حقوق شهروندی معلولان نام‌گذاری شده است)؛ ۴. دورهٔ جنبش فراگیر حقوق‌گرایی معلولان (۱۳۹۰ تاکنون) (۱۹).

از متون بسیار قدیمی که در آن از واژهٔ معلول استفاده شده است، مادهٔ ۵۶ قانون تأمین اجتماعی در سال ۱۳۵۴ است. این قانون از اصطلاح آسیب‌دیده برای توصیف کارگران دچار سانحه بهره جسته است؛ ولی در آن با واژهٔ معلولان نیز برخورد می‌کنیم. نکتهٔ درخورِ ذکر، آن است که نگرش حاکم در این متن امکان ادغام مجدد حرفه‌ای فرد معلول است. در لایحهٔ قانونی در زمینهٔ تشکیل سازمان بهزیستی کشور که به‌صورت مادهٔ واحده به تصویب رسید، آشکارا حاکمیت الگوی مدل پزشکی دیده می‌شود. در این قانون یکی از اهداف ایجاد سازمان بهزیستی کشور، توان‌بخشی حرفه‌ای اجتماعی معلولان جسمی و ذهنی بیان شده است. نخستین مقررات حمایتی از اشخاص معلول را می‌توان قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۶اردیبهشت۱۳۸۳ دانست. در این قانون به‌طور ناقص و غیرعمل‌گرایانه تضمین برخی از حقوق برای معلولان پیش‌بینی شده است. از آن جمله می‌توان به مناسب‌سازی محیط، اشتغال معلولان و اعطای برخی تسهیلات اشاره کرد. یکی از نقاط ضعف قانون جامع حمایت از حقوق معلولان عدم پیش‌بینی ضمانت اجرایی لازم، برای تضمین اجرای مقررات قانون‌گذاری است. همچنین در هیچ‌کدام از متون موجود در کشور ایران تبعیض بر اساس معلولیت منع نشده است (۲۰).

توانمندسازی اشخاص دارای معلولیت و میزان کارکرد قانون جامع حمایت از معلولان: روند بازنگری و اصلاح برنامهٔ جامع حمایت از معلولان در سال ۱۳۹۴ نقطهٔ عطفی در جریان‌شناسی ادغام اجتماعی معلولان به شمار می‌رود. در اواخر سال ۱۳۹۰، بحث‌های مرتبط با ضرورت بازنگری قانون جامع حمایت از حقوق معلولان شکل جدی‌تر و عملیاتی‌تری به خود گرفت و در نهایت به تشکیل اولین جلسهٔ بازنگری قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در اسفند همان سال منجر شد. این جلسات به‌طور عمده با حضور و محوریت نمایندگانی از جامعهٔ معلولان و کارشناسان دفتر توانمندسازی وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی تشکیل می‌شد؛ البته در ادامهٔ جلسات و با توجه به موضوع جلسه، کارشناسانی از سازمان بهزیستی، دفتر حقوقی وزارتخانه، مرکز پژوهش‌های مجلس و نمایندگان دستگاه‌ها و سازمان‌هایی که به‌نحوی در قانون از آن‌ها نام برده شده بود یا اجرای قانون به آن‌ها مربوط می‌شد، در جلسات شرکت می‌کردند (۲۱).

در نهایت این فعالیت‌ها در قالب کمیتهٔ تلفیق، به‌عنوان هستهٔ مرکزی کار و با حضور افراد برگزیده، ادامهٔ حیات داد و در همین ایام به موازات کارهای ارزندهٔ کمیتهٔ تلفیق، برای افزایش دقت کار، نشست‌هایی نیز در دفتر مشاور امور معلولان با حضور استادان حوزهٔ توان‌بخشی، کارشناسان سازمان بهزیستی، مرکز پژوهش‌های مجلس و سایر صاحب‌نظران تشکیل شد و متونی که با زحمات ارزشمند کمیتهٔ تلفیق تهیه شده بود، بازنگری شد. در این جلسات تقریباً نظرات معاونان توان‌بخشی سازمان بهزیستی در سی سال اخیر اخذ شد. در نهایت در دی‌ماه ۱۳۹۱، جمع‌بندی نظرات به کمیتهٔ تلفیق ارسال شد. کمیتهٔ تلفیق نیز در آخرین بازبینی، اصلاحات مدنظر خود را اعمال کرد و پیش‌نویس لایحهٔ اصلاح قانون جامع حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت در فروردین سال ۱۳۹۲ به هیئت‌دولت ارسال شد. در نهایت آنچه به سرانجام رسید، حاصل یک کار کارشناسی سه لایه و با نهایت وسواس و دقت بود و همچنین تعدیل‌هایی در آن اعمال شد. تغییرات و اصلاحات اعمالی کمیسیون، منطقی و قابل‌دفاع بود. در نهایت در بهار سال ۱۳۹۴، قانون ارائه‌شده به هیئت وزیران، در قالب قانون جامع حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت به تأیید دولت رسید؛ البته این قانون شامل دو بخش بود: یک بخش در قالب مصوبهٔ هیئت وزیران تصویب و ابلاغ شد و بخش دوم نیز به‌شکل لایحه برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد (۲۲).

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.49.4]

در نگاهی اجمالی به روند اجرای این قانون در دهۀ گذشته، خلأها و نواقصی بروز کرده که زمینه‌ساز پیشنهاد لایحۀ اصلاحیه قانون مذکور شده که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

■ سیاست‌گذاری در حوزۀ مناسب‌سازی به‌منظور توانمندسازی: مطابق مادۀ ۲ قانون یادشده، تمامی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظف‌اند در طراحی و تولید و احداث ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به‌نحوی عمل کنند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آن‌ها برای معلولان همچون افراد عادی فراهم شود (۲۳).

آنچه در عمل طی دهۀ اخیر رخ داده، پیشرفت کُند و اجرای ناقص این مقررۀ قانونی است. نبود ضمانت اجرای کافی و قوی موجب طفره‌رفتن برخی از دستگاه‌ها و نهادهای عمومی از تکالیف قانونی صدرالاشاره شده است. در تبصرۀ ۳ مادۀ ۲ قانون مزبور، قانون‌گذار سازمان بهزیستی کشور را مجاز دانسته تا از سایر دستگاه‌های اجرایی و عمومی گزارش اقدامات مناسب‌سازی ساختمان در اماکن دولتی و عمومی را درخواست کند. بدیهی است مقررکردن یک تکلیف اختیاری برای سازمان بهزیستی برای امـر مهم نظارت بر مناسب‌سازی ساختمان‌های دولتی و عمومی با روح نظارت ناسازگار است. از طرفی سایر دستگاه‌های اجرایی و عمومی خود را موظف به گزارش‌دهی به سازمان بهزیستی و مسئول دراین‌باره نمی‌دانند که ضرورت دارد نمایندگـان مجلس شورای اسلامی در لایحۀ جدید اصلاح قانون مزبور برای این امر مهم اهتمام ورزند (۲۴).

■ارائۀ خدمات، مکفی توان‌بخشی: سیاست‌گذاری افزایش مشارکت اشخاص دارای ناتوانی بدون درنظرگرفتن زمینه‌های توان‌بخشی حرفه‌ای امری است بیهوده که باعث انزوای آن‌ها در اجتماع می‌شود. از اهم تکالیف سازمان بهزیستی در مادۀ ۳ مادۀ اشاره‌شده، گسترش مراکز توان‌بخشی معلولان (ناتوانان نیازمند، معلولان بی‌سرپرست، معلولان مجهـول‌الهویه، معلولان با هنجارهای رفتاری) با همکـاری و مشارکت بخش غیردولتی بوده که با وجود توسعۀ کمی و کیفی چنین مراکزی، با توجه به ضرورت پرداخت کمک‌هزینه (یارانه) به مراکز غیردولتی در عمل به‌دلایل عدم تخصیص کافی و واقعی و به‌موقع اعتبارات، همواره شکاف قابل‌ملاحظه‌ای میان میزان سرانۀ اختصاص‌یافته با هزینه‌های واقعـی وجود دارد که شایسته است از محل هدفمندی یارانه‌ها این خلأ اعتباری به‌نحو شایسته و واقعی جبران شود (۲۴).

■ ایجاد سازوکار صندوق فرصت‌های شغلی: سیاست‌گذاری اشتغال‌زایی معلولان موضوع چالشی و قابل‌پیگیری بوده که اجرای مادۀ هفت قانون جامع حمایت از معلولان خواهد بود که در بند الف آن حداقل ۳درصد از مجوزهای استخدامی (رسمی، پیمانی، کارگری) دستگاه‌های دولتی و عمـومی اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها و نهادهای عمومی و انقلابی به افراد معلول واجد شرایط به‌عهدۀ دولت گذاشته شده است. هرچند به تصریح تبصرۀ ۲ مادۀ ۷ قانون مزبور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است ۳درصد از مجـوزهای استخدامی سـالانۀ وزارتخانه، سازمان و مؤسسات دولتی شرکت‌ها و نهادهای عمومی و انقلابی را کسر کند و در اختیار سازمان بهزیستی کشور قرار دهـد. با این حال در ارزیابی انجام این مقررۀ قانونی از زمان تصویب تاکنون چنین تکلیفی اجرا نشده است. مطابق تبصرۀ ۳ همین مادۀ قانونی، سازمان بهزیستی کشور مجاز شده تا صندوق فرصت‌های شغلی معلولان و مددجویان بهزیستی را ایجاد کند و اساسنامۀ آن را به تصویب هیئت وزیران برساند که با وجود انجام‌دادن مقدمات کار و تهیۀ پیش‌نویس اساسنامه‌های مختلف این امر مهم تاکنون محقـق نشده است (۲۵).

■دسترسی به آموزش تا سطوح عالی: یکی از مواد ارزشـمند قانون مزبور مادۀ ۸ آن است که حق آموزش را برای معلولان نیازمند واجد شرایط در سنین مختلف محفوظ دانسته است که با معرفی سازمان بهزیستی برای بهره‌مندی از آموزش رایگان در واحدهای آمـوزشی تابعۀ وزارتخانه‌ای آمـوزش‌وپرورش، علوم و تحقیقات و فناوری، بهـداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر دستگاه‌های دولتی و نیز دانشگاه آزاد اسـلامی شناسایی شده است و درمقایسه با سایر مواد قانونی مزبور از پیشرفت اجرایی قابل‌دفاعـی برخوردار است. ضمن اینکه همواره اعتبارات مربوط به شهریۀ دانشـجویان در مقایسه با تعداد دانشجویان معلول و نیازمند، کفایت لازم را نداشته و محدودیت‌های اعتباری همواره چالشی عمده در اجرای این مقرره بوده است (۲۶).

■ ارتقای آگاهی عمومی (فرهنگ‌سازی): از دیگر حقوق معلـولان حق آموزش عمـومی و ارتقای آگاهی عموم از توانمندی‌های ایشان بوده که سازمان صداوسیمای جمهوری اسـلامی مطابق مادۀ ۱۲ این قانون مکلف است حداقل دو ساعت از برنامه‌های خود را در زمان مناسب به سازمان بهزیستی کشور اختصاص دهد. بی‌تردید تکلیف مصرح فوق از تکالیف حاکمیتی است و صداوسیما نباید در ازای آن مبلغی را از سازمان بهزیستی مطالبه کند (۲۷).

■ استیفای حقوق مدنی: از حقوق دیگر ایجابی معلولان، حق بر معاضدت قضایی در دفاع از حقـوق ایشان در محاکم قضایی است. در اجرای این مقرره نیز سازمان بهزیستی کشور با تفاهم با مرکز مشاوران و کارشناسان قوۀ قضائیه و کانون وکلای دادگستری تفاهم‌نامۀ همکاری منعقد کرده که طیف وسیعی از معلولان نیازمند معاضدت حقوقی از آن بهره‌مند می‌شوند؛ اما سایر مددجویان نیازمند معاضدت حقوقی امکان بهره‌مندی از این ظرفیت قانونی را ندارند که لازم است در اصلاحیۀ قانون موردتوجه قانون‌گذار قرار بگیرد (۲۷).

■تشکیل شورای عالی معلولان: نکتۀ مهم و نفوذناپذیر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۳، تبصرۀ ۲ مادۀ ۱۶ آن است که مقرر می‌کند آن تعداد یا بخشی از مواد این قانون که نیازمند اعتبار جدید است، مادامی که اعتبار لازم از محل منابع مذکور در این ماده تأمین نشود، اجرا نخواهد شد؛ بنابراین به‌منظور تقویت ضمانت اجرایی قانون مزبور و استیفای حقوق افراد دارای معلولیت، تشکیل شورای عالـی معلولان به ریاست رئیس‌جمهوری در لایحۀ اصلاح قانون جامع حمایت از معلولان تا حدودی می‌تواند کارگشا باشد. بی‌تردید انتظار می‌رود در تدوین لایحۀ اصلاح قانون مزبور که از طرف دولت تدبیر و امید به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است، خلأها و نواقص اشاره‌شده به‌نحو مطلوبی برطرف شود (۲۸).

سیاست‌گذاری معلول شهروندی مؤثر در مقررۀگذاری‌های حمایتی: برای نخستین‌بار، پژوهش حاضر به بررسی سیاست‌گذاری‌های

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.49.4]

توانمندسازی معلولان در پرتو یک کنفرانس بین‌المللی می‌پردازد که به ارائهٔ رویکرد «معلول شهروند مؤثر» در فرایند خط‌مشی‌گذاری‌ها «از سوی نویسنده» منجر خواهد شد و بایستی در اصلاحیهٔ قانون جامع حمایت از معلولان در قالب «برنامهٔ جامع حمایت از معلولان» مصوب دوازدهم دی‌ماه ۱۳۹۴ لحاظ می‌شد. به نظر می‌رسد نقیصهٔ مذکور با درنظرگرفتن طرح «معلول شهروند مؤثر» با وجود محدودیت‌های قانونی ضروری می‌نماید که برای ارتقای کیفی توانمندی جامعهٔ هدف، زمینه را فراهم سازد. هر فرد دارای معلولیت، به‌عنوان یک کنشگر اجتماعی، یک‌سری حقوق شهروندی دارد که از حقوق مشروع و الزامی هر شهروند محسوب می‌شود و برای تحقق الزامات مدنی آن نیازمند سازوکاری است که معطوف به شناخت وضعیت حاکم بر معلولیت در اجتماع و نحوهٔ تعامل یا تقابل ساختاری و هنجاری با قشر نام‌برده است. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، معلولیت نوعی کاستی و نقصان و محدودیت‌های عملکردی که گاه بلندمدت بوده، تعریف می‌شود و علاوه‌بر نواقص جسمی و ذهنی و حرکتی، تحمیل نگرش‌های منفی و بی‌اعتمادی به فعالیت‌های اجتماعی، اسباب انزوای اجتماعی اشخاص دارای معلولیت را فراهم می‌کند که در چهارچوب مفهوم محدودیت‌های مضاعف بر عملکرد معلولان گنجانده می‌شود. مرتفع‌کردن نگرش‌های عدم اطمینان به کارکرد افراد دارای ناتوانی در فرایند جامعه‌پذیری مستلزم تدوین قوانین حمایتی، با همراهیِ مقرره‌گذاری سیستمی خواهد بود که می‌تواند از طریق ارائهٔ کاربست معلول شهروندی مؤثر در راستای ارتقای کیفی حضور اجتماعی در پرتو سیاست‌گذاری حمایتی مطرح شود. «معلول شهروند مؤثر» به آن دسته از شهروندانی اطلاق می‌شود که از لحاظ محدودیت‌های فیزیکی و جسمی، کارکرد اجتماعی‌شان دچار کاستی می‌شود؛ اما با سازوکاری که از مدل جنبش فراگیر حقوق شهروندی اقتباس شده، می‌توانند به‌طور مؤثری تصمیم‌سازی‌های کلان را کنترل کنند که تعدیل‌کنندهٔ ظرفیت‌های موجود سیستم از قبیل پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری و شفافیت در ارائهٔ قانون‌گذاری در عرصهٔ توانمندسازی افراد معلول به شمار می‌رود. این می‌تواند زمینهٔ تقویت معیارهای معلولیت‌پژوهی، از قبیل آزادی در عملکرد، استقلال در تصمیم‌گیری معلولان و دسترس‌پذیربودن به منابع موجود را فراهم سازد که بر پایهٔ این رویکرد، نگرش حاکم بر «معلول عامل فعل زیان‌دیده» ترسیم خواهد شد. این امر مبتنی‌بر مسئولیت‌پذیری و تعهد جامعه در قبال مدل‌های معلولیت و ایجاد فضای مناسب برای حضور اجتماعی افراد دارای معلولیت، مطابق نظریهٔ پوشش و تعمیم است و بر توان افتراقی متمرکز خواهد بود و با آن می‌توان به ادغام اجتماعی معلولان مشروعیت بخشید. همچنین با محوری‌دانستن این قاعده بسیاری از معضلات و موانع پیش روی مشارکت بهینهٔ معلولان قابلیت ترمیم و بازتولید را خواهد یافت (۱۹).

قانون‌گذاری در فضای مجازی به‌منظور تسهیل بهره‌وری معلولان: به‌منظور ارتقای کیفی سیاست‌گذاری افزایش مشارکت معلولان، مطرح‌کردن ایدهٔ قانون‌گذاری در فضای مجازی و ایجاد لوازم حقوقی، با هدف تسهیل بهره‌وری افراد دارای ناتوانی ضروری به نظر می‌رسد. در مقطع کنونی، به‌منظور همگام‌سازی فرصت‌ها میان اقشار یک جامعه برای حضور اجتماعی، ایجاد و تدوین سند قانون‌گذاری را در فضای مجازی ایجاب می‌کند. گفتنی است این سند، مکمل برنامهٔ جامع حمایت از معلولان بوده، در قالب مؤسسات فناوری، موجبات ترویج فرهنگ‌سازی و استفادهٔ کاربردی از دانش خدمات الکترونیکی را برای افراد ناتوان فراهم می‌آورد و در سه حوزهٔ پیشگیری، توان‌بخشی و ایجاد فرصت‌های برابر متمرکز است و می‌تواند مقدمات مشارکت همه‌جانبهٔ این قشر را در اجتماع فراهم کند. در این میان، ارائهٔ خدمات رایانه‌ای و تکنولوژی مربوط به سازوکار فضای مجازی متناسب با وضعیت اشخاصِ دارای معلولیت، الزامی و حیاتی است. به‌دلیل کاستی، نواقص جسمی ذهنی و حرکتی جامعهٔ هدف، ایجاد و تدوین قانون جامع حمایت از فعالیت‌های بهینهٔ معلولان در فضای مجازی می‌تواند مکمل برنامهٔ جامع حمایت از معلولان در عرصهٔ اجرا و نظارت محسوب شود و در امر توان‌بخشی حرفه‌ای زمینه‌ساز متدهای راهبردی شود. در این راستا، هم‌سان‌سازی سازوکار ناتوانی و کاستی‌ها با بهره‌گیری از فناوری توان‌بخشی مبتنی بر علوم اینترنتی را می‌توان مقدمه‌ای برای ایجاد فرصت‌های برابر اجتماعی دانست که در عرصه‌های آموزش تلفیقی، خدمات الکترونیکی و توان‌بخشی حرفه‌ای و جذب نیروی کار از طریق بهره‌گیری از فناوری اتوماسیون اداری صورت می‌پذیرد. این موضوع متناسب با وضعیت معلولیت اتخاذ می‌شود و در قالب معلول شهروندی مؤثر تبیین خواهد شد (۲۹).

فرایند مزبور گامی است در جهت تعامل بهینهٔ اجتماع با افراد دارای معلولیت که از طریق ارتقای کیفی و آگاهی عمومی توأم با ایجاد فضای مناسب هم‌سان‌سازی خواهد شد تا موجب ترمیم عملکرد معلولان در جامعه شود. به‌منظور پردازش ساخت لوازم توان‌بخشی معلولان بر پایهٔ علوم و معلولیت‌پژوهی، باید مؤسسات دانش‌بنیان گسترش یابد تا حضور ثمربخش افراد دارای معلولیت در بستر جامعه را فراهم کند. این امر بر اساس نظریه‌های مساعدت بیرونی توجیه‌پذیر است. روند مذکور به ادغام اجتماعی افراد دارای ناتوانی برحسب اتخاذ رویکرد جنبش فراگیر حقوق معلولان در پرتو «معلول شهروند مؤثر» منتج می‌شود (۳۰).

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه در این نوشتار آمد، نتایج و راهکارهای اجرایی ذیل به دست می‌آید:

الف. تعریف حقوقی هر موضوعی باید به‌گونه‌ای ارائه شود که بتواند جامعیت مسائل را در بر گیرد، قانون‌گذاری را در مسیر صحیح خود قرار دهد و نگرش مثبت علمی و منطقی را در جامعه به موضوع به وجود آورد. ازاین‌رو مفاهیم و کلیدواژه‌های اصلی مربوط به وضعیت مشارکت بالقوهٔ معلولان در ایران، باید با نگاه درخور، دقیق و مبتنی بر کرامت انسانی بازتعریف شود تا پرداختن به آن در حقوق موضوعه از جامعیت لازم حق‌مدارانهٔ ماهوی و شکلی برخوردار شود.

ب. با لحاظ حق‌ها و تضمینات ماهوی و رویه‌ای اسناد حقوق بشری، وضعیت موجود در حقوق موضوعهٔ ایران نمی‌تواند زمینهٔ برابرسازی فرصت‌ها را برای معلولان فراهم کند و تا رسیدن به وضعیت موصوف در این اسناد، فاصلهٔ زیادی وجود دارد. قوانین و مقررات تکلیفی دولت در دو حوزهٔ مدنی و رفاهی، در زمینه‌های مختلف توان‌بخشی، آموزشی،

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.49.4]

اشتغال، تأمین اجتماعی و...، به‌دلیل فراگیرنبودن و هزینه‌های هنگفت و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فقدانِ نظارت، ارزشیابی، کنترل و ضمانت اجرایی کافی نتوانسته موقعیت برابر و منصفانه‌ای را برای زندگی و مشارکت این قشر از جامعه فراهم کند.

ج. دولت باید با حمایت و تأمین حداقل نیازهای زندگی معلولان در جامعه، زمینهٔ تحقق عدالت و برابری اجتماعی را فراهم آورد. در ایران، با توجه به محدودیت منابع مالی و ضعف ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و حقوقی جامعه، به این موضوع مهم توجه جدی نشده و مشکلات عدیدهٔ معلولان لاینحل باقی مانده است و تأمین حداقل‌های زندگی برای آن‌ها دشوار است.

د. شورای عالی معلولان در راستای تحقق سیاست‌گذاری‌های هدایتی و نظارتی و حمایتی و به‌منظور نظارت بر اجرای قانون‌گذاری‌های حمایتی که ادغام اجتماعی اشخاص دارای معلولیت را در جامعه زمینه‌سازی می‌کند، باید تشکیل شود.

ه. به‌رسمیت‌شمردن کرسی نمایندگی معلولان در فرایند انتخابات مجلس شورای اسلامی از طرف نظام انتخاباتی گامی است در مسیر تحقق قانون‌گذاری‌های هدایتی، نظارتی و حمایتی اشخاص دارای معلولیت که می‌تواند در امر بازتولید قوانین حمایتی و کارویژه‌های معلولیت نقش‌آفرینی کند.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.49.4]

References

1. Bakhtiari SA. Disables' Rights in Iranian Laws. Jangal Publication: Javid; 2012, p:33. [Persian]
2. Moradzade H. Rights and Duties of People with Disabilities in the Civil Liability System. First Edition. Tehran: The Institute for Legal Studies and Research of the Shahre Danesh; 2011, p: 51-9. [Persian]
3. Abdollahi R. A Review for the Provisions of the Universal Conventions of Disables' Rights. Welfare Organization of the Country; 2007, p: 39-41. [Persian]
4. Ministry of Cooperatives Labour and SocialWelfare. Comprehensive Protection of Disabled People. 2004. https://rkj.mcls.gov.ir/fa/mogharaaat/ghavanin/ghanoonmaloolaan
5. Tabatabaei SA, Nouri Neshat S. Cultural Rights of the Disables. The Cultural House of the Disables in Qom; 2012, p: 107. [Persian]
6. Jebelli Kh. Sociology of Disability. Sociological Exploitation of Discrimination against the Disables. Tehran: Nashre Elmi;2012, p: 18. [Persian]
7. Jebelli Kh. Sociology of Disability. Sociological Exploitation of Discrimination against the Disables. Tehran: Nashre Elmi;2012, p:17-19. [Persian]
8. Azghandi A. Introduction on Political Sociology of Tehran. Qomes Publication; 2006,pp: 57-9. [Persian]
9. Jebelli Kh. Sociology of Disability. Sociological Exploitation of Discrimination against the Disables. Tehran: Nashre Elmi;2012, p: 115-8. [Persian]
10. Nabati N. Support for persons with disabilities in the international human rights system. Tehran: Shahre Danesh Institute of Legal Studies and Research Center; 2010, pp: 48-50. [Persian]
11. Allahverdi Zadeh M. Monaseb sazi baraye kam tavanane jesmi az ebteda ta emrooz [Adaptation for the physically handicapped from the beginning to the present]. Workshop on Designing Publicly Available Spaces for the Physically Handicapped; 2004 Dec. [Persian]
12. Nabati N. Support for persons with disabilities in the international human rights system. Tehran: Shahre Danesh Institute of Legal Studies and Research Center; 2010, pp:59-62. [Persian]
13. Ashtian K. Public Policy in Iran. Tehran: Nashre Mizan Publication; 2007,p:25-48. [Persian]
14. Vahid M. Public Policy. Tehran: Nashre Mizan Publishing;2004, p:6-18. [Persian]
15. Alwani SM, Sharifzadeh F. Public Policy Process. Seventh Edition. Tehran: Allameh Tabatabai University Press;2009, p:13-6. [Persian]
16. Moradzadeh H. Rights and Duties of People with Disabilities in the Civil Liability System. First Edition. Tehran: The Institute for Legal Studies and Research Center;2011, p: 38-45. [Persian]
17. Nabati N. Support for persons with disabilities in the international human rights system. Tehran: Shahre Danesh Institute of Legal Studies and Research Center; 2010, pp:59-61.
18. Zahra'ei H, Taban SMR. Reference Center for Disabled People's Rights. Shiraz: Shiraz Navid; 2014,p:33-55. [Persian]
19. Nouri A. Disabled People's Rights in Iran. Qom: Publications of the Cultural Center of the Disabled people of Qom;2015, p:47-55. [Persian]
20. Bakhtiari SA. Disables' Rights in Iranian Laws. Tehran: Jangal Publication; 2012, pp:47-55.[Persian]
21. Mohammadi A. Assessing the Comprehensive Law for Disable People. Strategic Council of the Welfare Organization. 2013: 22-9. [Persian]
22. Tabatabaei SA, Nouri Neshat S. Human Rights of the Disabled People. Qom: Cultural and Intelligence Department of Disables in Qom; 2012, p:7-10. [Persian]
23. Kamali M. Rehabilitation Status in the Structure of the Comprehensive Welfare and Social Security System. Social Security Law and Social Security Organization's Periodical. 2005;1(2 & 3):46-9. [Persian]
24. Jalavand A. An Introduction to the Rehabilitation Principles of the Disabled People. Tehran: Roshd; 2012, p:56-8. [Persian]
25. Partoyi L, Reza'ei M. Zanane Malool va Ta'amol ba jame'e [Women with Disabilities and Community Interaction (A Qualitative Study of the Social Life of Women with Disabilities).Quarterly Journal of Strategic Studies of Women. 2015;17(67): 7-44. [Persian]
26. Arjmand T. Informing the Disabled People and Offering an Information Network for them. Tehran: Secretariat of the Board of Trustees of the Public Libraries of the Country. 2001; p. 18-21. [Persian]
27. Fatemi Nezhad SS. Eslahate zarouri dar ghanoone jame'e maloolan [Essential Reforms in the Comprehensive Law on the Protection of the Rights of Persons with Disabilities]. Iran Newspaper.2015. [Persian]
28. Yusefiyan E. Assessing the Comprehensive Protections of the Rights of the People with Disabilities in the light of the provisions of the Convention on the Rights of Persons with Disabilities. Journal of Legal Research. 2008; 13:57-62. [Persian]

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.49.4]

29. Qari Seyed Fatemi SM. Tahavvole goftemani: haghha va azadihaye maloolan dar aineye hoghooghe bashare moaser [Discourse Transformation. The Rights and Freedoms of the Disables in the Contemporary Human Rights Mirror]. Journal of Legal Researches. 2008;13:21-4. [Persian]
30. Nasib SMH, Jahanbin SE. Attitudes towards the Legal Status of the Disables in Iran in the Lights of welfare and Civil Protections of the State. Journal of Basic Laws. 2011;16. [Persian]

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.49.4]